

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹

صص ۹۴-۵۷

مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه

دکتر فرهاد قاسمی* - استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

چکیده

منطقه‌گرایی از اواخر دهه ۱۹۸۰ در سیاست جهانی و تئوری‌های روابط بین‌الملل نمود بارزی یافت اما ادبیات مطالعات منطقه‌ای و بویژه امنیت منطقه‌ای مدل مورد نیاز را برای تحلیل امنیت منطقه‌ای ارائه نمی‌نماید. از این منظر هدف مقاله ارائه چارچوب یا مدل تحلیلی امنیت منطقه‌ای است. اصولاً در سیستم پیچیده درک امنیت واحدها بدون توجه به شبکه منطقه‌ای امکان‌پذیر نمی‌باشد. به این دلیل مقاله بر اساس تئوری شبکه و همچنین پارادیم ژئوپلیتیک، مدلی را طراحی می‌نماید که درک پیچیدگی‌های امنیت منطقه‌ای را امکان‌پذیر ساخته و چگونگی ارتباط اجزاء متفاوت آن با یکدیگر را نشان می‌دهد. سرانجام نیز شبکه خاورمیانه به‌عنوان یک نمونه موردی تجزیه و تحلیل خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شبکه منطقه‌ای، امنیت منطقه‌ای، ژئوپلیتیک، مدل ژئوپلیتیک، خاورمیانه.

* E-mail: Fghasemi1@yahoo.com

۱- مقدمه

اصولاً امنیت مهمترین دلمشغولی واحدها در سیستم بین‌الملل بوده و به همین جهت اغلب الگوهای رفتاری واحدها معطوف به تأمین آن می‌باشد. در این راستا امنیت واحدها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی بوده است که سطح منطقه‌ای از جمله سطوح تاثیرگذار بر آن در نظر گرفته می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۴). این روند با افزایش سطح و میزان ارتباطات در درون سیستم بین‌الملل و جهانی شدن فرآیندهای آن و گذار جریان‌ها از مرزهای سیستمی از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار گردیده است. این پیچیدگی تا حد زیادی به تغییر و تحول در سازه‌های سیستم بین‌الملل از جمله سازه منطقه‌ای آن منجر می‌شود. در همین راستا شبکه منطقه‌ای جایگزین مفهوم کلاسیک منطقه می‌گردد. از سویی شبکه‌ها نیز خود دارای انواع مختلفی می‌باشند که در برابر متغیرها پاسخهای متفاوتی را خواهند داشت. در این میان متغیرهای ژئوپلیتیکی از جمله مهمترین متغیرهایی هستند که بر وضعیت امنیتی شبکه‌های منطقه‌ای اثرگذار بوده و به دلیل تمایز شبکه‌ها محیط و وضعیت‌های امنیتی متفاوتی را سبب می‌شوند. پیچیدگی مذکور ارائه مدل‌های مختلفی از تحلیل امنیت منطقه‌ای را ضروری می‌سازد، موضوعی که در ادبیات موجود روابط بین‌الملل توجه چندانی به آن نشده است.

به همین سبب پرسش اصلی پژوهش حاضر شکل می‌گیرد که از چه مدلی می‌توان برای تحلیل امنیت منطقه‌ای بهره برد و ساخت مدل مذکور از چه سازه‌ای برخوردار است؟ و در کاربرد مدل مذکور در مورد یکی از حساسترین و با اهمیت‌ترین مناطق یعنی خاورمیانه چه نتایجی حاصل می‌گردد؟

در پاسخ به پرسش مذکور، این فرض مطرح خواهد شد که ترکیب دو الگوی ژئوپلیتیکی و شبکه‌ای، مدل امنیت منطقه‌ای را در سیستم بین‌الملل حاضر تشکیل می‌دهند. بر پایه مدل شبکه ژئوپلیتیکی، امنیت منطقه‌ای بر اساس گونه‌های متمایز شبکه‌ها و تعامل بین متغیرهای ژئوپلیتیکی آنها با نوع سازه شبکه و وضعیت امنیتی ناشی از آن در قالب مداخله خارجی و پیامدهای مترتب بر آن شکل می‌گیرد. در کاربرد مدل مذکور در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه نیز این فرضیه مطرح می‌شود که به دلیل نوع سازه شبکه مذکور یعنی نوع فاقد معیار بودن آن و

همچنین متغیرهای ژئوپلیتیکی آن که در تعامل با تمایل زیاد مداخله خارجی جنبه منفی یافته یافته‌اند شبکه خاورمیانه در وضعیت «تهدیدات خارجی زیاد، قابلیت منطقه‌ای کم، ظرفیت سیاسی منطقه‌ای کم» قرار می‌دهد که نتیجه آن ترکیب مداخله خارجی و آسیب‌پذیری‌های داخلی به‌عنوان مهمترین تهدید علیه امنیت منطقه‌ای واحدهای حاضر در شبکه می‌باشد. علاوه بر آن با ورود نگرش شبکه‌ای به مدل‌سازی امنیتی مرزبندی‌های خاورمیانه از حالت سنتی تعریف شده توسط قدرت‌های بزرگ تغییر نموده و برخی از حوزه‌های جدید را نیز در بر می‌گیرد.

به‌منظور بررسی فرضیه پژوهش، در ابتدا به‌منظور طراحی و ترسیم مدل مطالعاتی امنیت منطقه‌ای، از روش قیاسی بهره گرفته می‌شود. در این مرحله با بهره‌گیری از یافته‌های علمی موجود در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل و اصول علمی حاکم، بویژه در حوزه ژئوپلیتیک، روابط بین متغیرها در قالب مدل تحلیلی با ویژگی شبکه‌ای برقرار می‌گردد. در این مدل ضمن مشخص ساختن شکل‌گیری منطقه بر اساس منطق ژئوپلیتیکی، سازه فیزیکی آن بر پایه نگرش شبکه‌ای گونه‌بندی می‌شود و پس از آن بر اساس شاخص‌های متعدد در شبکه‌های ژئوپلیتیکی مختلف، انواع وضعیت‌های امنیتی شناسایی و در قالب مدل تحلیلی مطرح می‌گردد.

سرانجام در بخش دوم فرضیه، با بهره‌گیری از روش مطالعات موردی به بررسی منطقه خاورمیانه در قالب مدل مذکور پرداخته می‌شود. در این بخش ابتدا حوزه‌های متمایز و سازه منطقه خاورمیانه مطرح و پس از آن به بیان متغیرهای ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه و سپس استنتاج نظری در قالب مدل تحلیلی پرداخته خواهد شد. در اینجا هدف اصلی بهره‌گیری از مطالعات موردی و نشان دادن همبستگی بین متغیرهای مختلف موجود در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه و امنیت می‌باشد.

۲- مبانی نظری

اصولاً مدل‌ها تصویری از جهان واقعی محسوب می‌شوند که در آن برخی از ویژگی‌های چنین جهانی مندرج است. ایجاد چنین مدل‌هایی مستلزم طی چند مرحله اساسی است. در نخستین مرحله چارچوب فیزیکی موضوع و مسئله مشخص می‌گردد، چارچوبی که موضوع مذکور در

درون آن محقق خواهد شد. مرحله دوم از مدل‌سازی به نظریه‌هایی توجه می‌شود که مدل‌ها بر آن پایه شکل می‌گیرند. در این مرحله از کارآمدترین نظریه یا نظریه‌هایی که می‌تواند و به نظر می‌رسد قادر به تبیین موضوع مورد نظر می‌باشد، بهره گرفته خواهد شد. سرانجام در مرحله سوم مدل‌های شکلی پدیدار می‌شوند که بیانگر رابطه بین متغیرها می‌باشند که البته این رابطه در قالب کمی بیان می‌گردند.

اولین پرسش این است که امنیت منطقه‌ای و مدل تبیینی آن در چه قالب فیزیکی معنی و مفهوم می‌یابد؟ در این راستا با توجه به تحولات نوین سیستم بین‌الملل، به نظر می‌رسد شبکه‌ها ترسیم کننده چنین گستره فیزیکی می‌باشند. شبکه‌ها، شکل‌بندی نوینی به مجموعه عناصر با ویژگی‌های زمانی و مکانی خاص می‌بخشند (رجوع شود به: Wassermann and Faust, 1994 و Dickens and ets, 2001: 89-112 و Doak and nikos, 2007: 209-22 و قاسمی، ۱۳۸۷) در دوره نوین و عصر سیستم‌های پیچیده شبکه‌ها قالب تحلیلی امنیت منطقه‌ای را شکل بخشیده و مدل‌های امنیتی در درون آن معنا و مفهوم می‌یابند.

۲-۱- مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای

اصولاً بر پایه دو الگوی بسیار مهم یعنی نگرش شبکه‌ای و ژئوپلیتیک می‌توان به ترسیم مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای اقدام نمود. در این مدل ابتدا ژئوپلیتیک در دو شاخه کلاسیک و انتقادی، شکل‌گیری منطقه را توضیح می‌دهد (Kelly, 2006:39-40). در اینجا گفتمان نخبگان ملی و بازی استراتژیک بین قدرت‌های بزرگ دو متغیر شکل‌دهنده به منطقه در قالب شبکه می‌باشند. در ادامه برخی نیز ژئوپلیتیک رادیکال را مطرح می‌نمایند (Mercille, 2008). ژئوپلیتیک رادیکال دارای ماهیت انتقادی، اقتصاد سیاسی و مرتبط با چرایی سیاست‌ها و حوادث سیاسی بدون فراموش کردن چگونگی تحقق آنهاست. متغیرهای مورد نظر سه مکتب ژئوپلیتیکی مذکور همراه با تحول سیستم بین‌الملل و گسترش ارتباطات و در نتیجه کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی مورد نظر ژئوپلیتیک کلاسیک سبب طرح مناطق در قالب شبکه می‌باشند. در این راستا بنابراین می‌توان از شبکه‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای سخن به میان آورد که در گونه‌های پنج‌گانه سامان‌یافته، تصادفی، فاقد معیار، سلسله مراتبی و چرخه‌ای قابل طرح می‌باشند:

۱- شبکه‌های منطقه‌ای تصادفی که بر اساس جریان خود به خودی ارتباطات بین واحدها بوجود آمده‌اند، برای نمونه همجواری جغرافیایی یا متغیر جغرافیا آنها را در معرض چنین ارتباطاتی قرار داده است، شبکه منطقه‌ای موجود در آفریقا، البته در مراحل اولیه خود و با مسامحه نمونه چنین شبکه‌هایی است، معمولاً این نوع شبکه‌ها نامنظم بوده و الگوهای رفتاری آنها نیز از انسجام لازم برخوردار نمی‌باشند؛

۲- شبکه‌های منطقه‌ای سامان‌یافته که براساس تنظیم جریان ارتباطات شکل گرفته‌اند، برای نمونه شبکه منطقه‌ای اروپا در زمره چنین نمونه‌ای خواهد بود؛

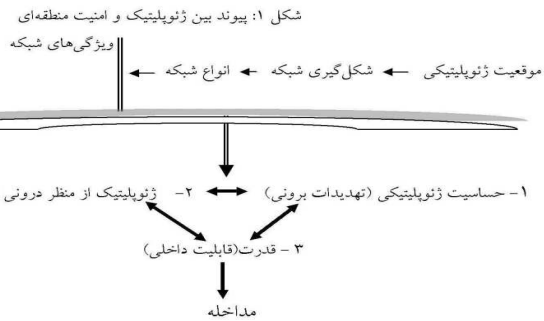
۳- شبکه‌های منطقه‌ای فاقد معیار که در آن کانون‌های منطقه‌ای شکل گرفته‌اند اما هنوز به مرحله سامان‌دهی کامل نرسیده‌اند لذا همچنان قانون توزیع قدرت بر آنها حاکم است؛

۴- شبکه‌های منطقه‌ای سلسله‌مراتبی که در آن برخی واحدها بر جریان شبکه سیطره دارند؛

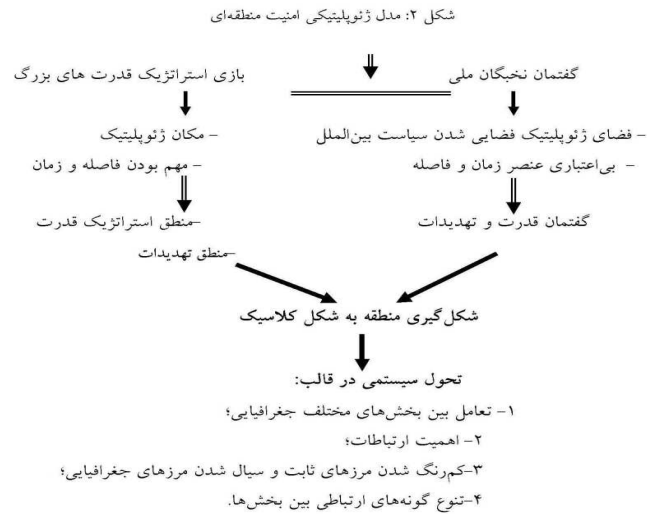
۵- شبکه‌های منطقه‌ای چرخه‌ای که فاقد محور مرکزی می‌باشند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۱۰۲).

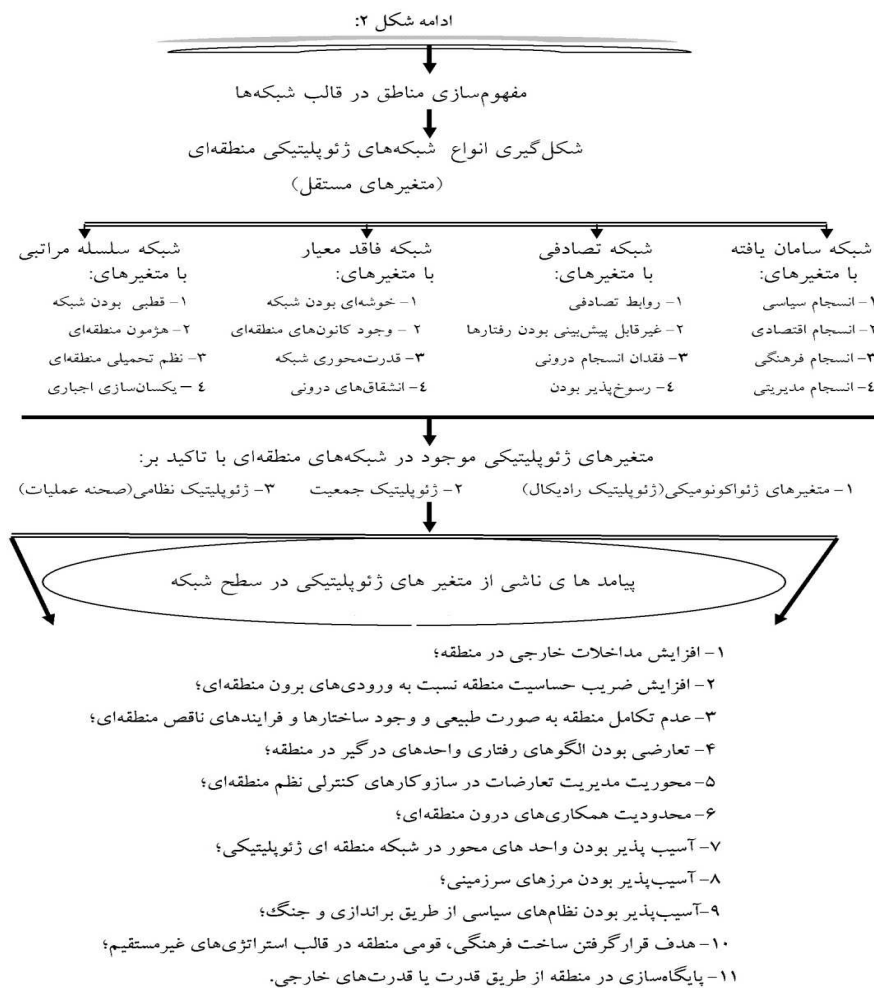
این شبکه‌ها تحت تأثیر متغیرهای امنیتی متعددی قرار خواهند گرفت که بر اساس گونه‌بندی آنها میزان تأثیرپذیری و اثرگذاری آنها متمایز می‌باشند که همین موضوع وضعیت‌های مختلف امنیتی را در شبکه‌های مختلف به وجود می‌آورد. در مرحله نخست پیوند

کلی بین ژئوپلیتیک و امنیت منطقه‌ای را می‌توان به صورت شکل شماره ۱ نشان داد:



در این راستا و بر اساس مفروض فوق، به طور کلی مدل ژئوپلیتیک امنیت منطقه‌ای را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم نمود:





ادامه شکل ۲:



۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- شکل‌گیری شبکه خاورمیانه و الگوی تعاملات موجود در آن

شکل‌گیری شبکه خاورمیانه‌ای را می‌توان بر اساس منطق‌های پنج‌گانه زیر که منتج از دیدگاه ژئوپلیتیکی چه کلاسیک و چه انتقادی و یا رادیکال می‌باشد را توضیح داد:

۱- منطق چرخه جهانی قدرت؛

۲- منطق چرخه محلی و منطقه‌ای قدرت؛

۳- منطق تهدیدات؛

۴- منطق همجواری جغرافیایی؛

۵- منطق گفتمان حاکم بر نخبگان ملی کشورها.

بر این اساس شبکه استراتژیک خاورمیانه از حلقه‌های متمایز اما به هم مرتبط مختلفی شکل گرفته است. شبکه مذکور از اجزاء زیر تشکیل شده است:

۱- حوزه شامات؛

۲- حوزه غربی؛

۳- حوزه خلیج فارس؛

۴- حوزه جنوب غربی آسیا (پاکستان و افغانستان)؛

۵- ترکیه (آسیای صغیر)؛

۶- آسیای مرکزی و قفقاز (حوزه حاشیه‌ای).

در شکل‌گیری شبکه ژئوپلیتیکی خاورمیانه، دو گونه از متغیرهای اساسی دخیل می‌باشند که می‌توان در قالب متغیر بیرونی و متغیر درونی مفهوم‌سازی نمود که در نهایت تعامل بین آنها در چارچوب منطق‌های پنج‌گانه فوق‌الذکر، شبکه منطقه‌ای خاورمیانه را تشکیل می‌دهند. بخشی از این شبکه ناشی از کارکرد قدرت هژمونیک سیستم بین‌الملل و خارجی است که چرخه جهانی قدرت آن را نشان می‌دهد. در این میان حلقه خاورمیانه به شدت تحت تأثیر گفتمان قدرت و مداخله قدرت یا قدرت‌های خارجی شکل گرفته است. در دوران جنگ سرد

خاورمیانه پس از اروپا و آسیا به سومین جبهه تبدیل شد و منابع نفتی آن را به اقتصاد جهانی پیوند زد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۱۰). علاوه بر آن قرار گرفتن بین دو گستره ژئواستراتژیک غرب و شرق به آن اهمیت بسیاری در چرخه جهانی قدرت بخشید.

از سوی دیگر خاورمیانه شبکه‌ای منسجم نمی‌باشد و با توجه به توزیع تهدیدات و شباهت‌های هویتی در آن به حوزه‌های مختلف تقسیم می‌گردد. در این میان تشکیل اسرائیل حوزه امنیتی متمایزی را در گستره شامات به وجود آورد. این حوزه متشکل از حوزه‌هایی است که در معرض خطر مستقیم اسرائیل قرار داشته و یا مستقیماً با نزاع‌های مربوطه درگیر می‌باشند. از جمله کشورهای همسایه آن مانند مصر، اردن، لبنان، سوریه در این حوزه قرار می‌گیرند که البته از دیدگاه بوزان بازیگران غیردولتی ساف، حماس و حزب ا. را نیز در بر خواهد داشت (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۱۰). در اینجا به نظر می‌رسد جریان تهدیدات اسرائیل به عنوان محور اساسی شکل‌گیری این حوزه محسوب می‌شود. علاوه بر اینکه اسرائیل در منطقه پدیده‌ای مصنوعی است بعد از شکل‌گیری نیز ادبیات تهدیده توسط آن بسیار رایج می‌باشد. در مطالعه انجام شده در سال ۲۰۰۹ از گفتمان جنگ در خاورمیانه ادبیات سیاسی اسرائیل بر محورهای جدول شماره ۱ مبتنی بوده است (Atawneh, 2009: 270). که دلالت بر تهدیدات امنیتی علیه منطقه دارد.

جدول شماره ۱: توزیع نوع شاخص‌های ادبیات سیاسی اسرائیل در منطقه

نوع کلمه	کل	درصد
تهدید	۹۰	۴۱
رد	۳۵	۱۶/۱
اخطار	۳۱	۱۴/۲
دستور	۱۸	۸/۳
تصمیم	۱۴	۶/۴
ادامه	۹	۱/۴
دفاع	۷	۳/۲
درخواست	۵	۲/۳
تقاضا	۵	۲/۳
اصرار	۴	۱/۸
کل	۲۱۸	۱۰۰

دومین حلقه شامل خلیج فارس خواهد بود که این گستره ایران، عراق و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در بر می‌گیرد. البته با توجه به درگیری‌های بین عربستان و یمن و مداخله آمریکا، این کشور پیوند زیادی با مسائل منطقه‌ای خواهد یافت. از سوی دیگر به نظر می‌رسد یمن به‌عنوان نقطه هدف جدید در پایگاه‌سازی منطقه‌ای آمریکا و کنترل صحنه عملیات استراتژیک را تشکیل می‌دهد. ضمن اینکه حوزه خلیج فارس «بیشترین حجم ستیزش، درگیری و رویارویی نظامی را طی سه دهه اخیر دارا بوده است» (پوستین‌چی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

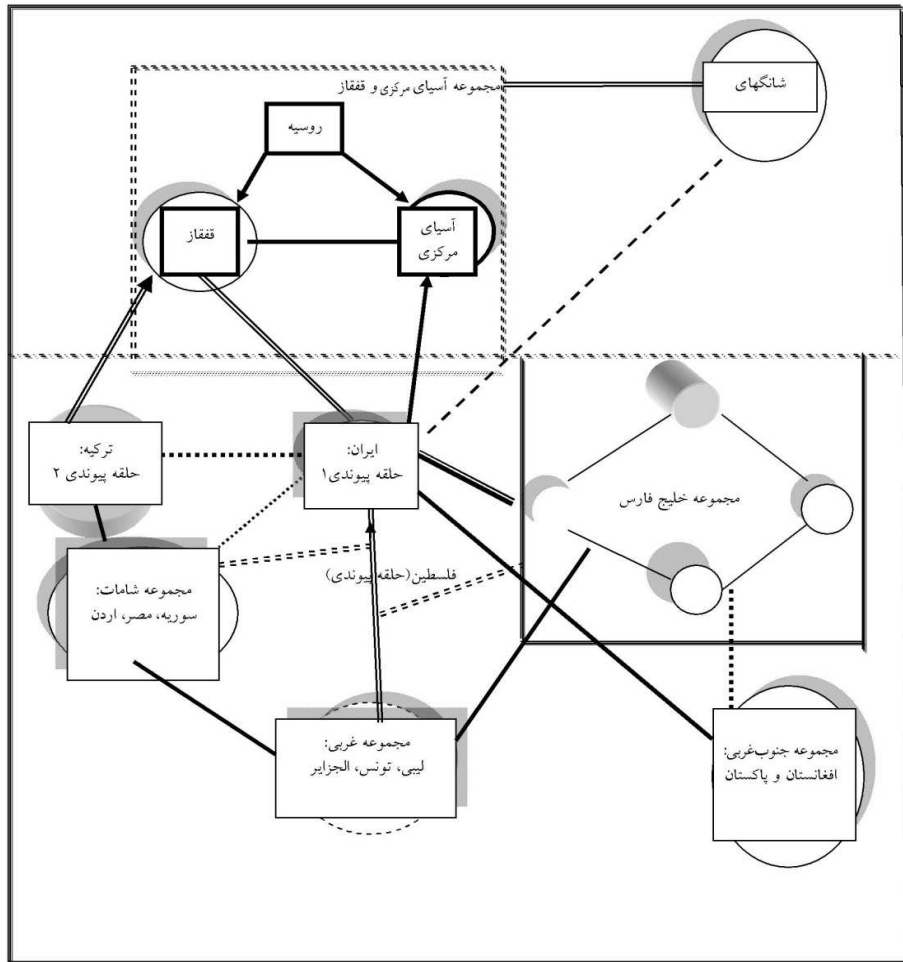
سرانجام حوزه سومی در غرب وجود دارد که شامل لیبی، تونس، الجزایر و مراکش می‌باشد. با توجه به درگیری آنها در منازعه اعراب و اسرائیل و منازعات خلیج فارس و روابط با ایران عملاً جزء این مجموعه محسوب می‌شوند.

در حوزه شمالی ایران و خاورمیانه نیز با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته و سیاست هژمونیک منطقه‌ای روسیه، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شکل گرفت. آسیای مرکزی متشکل از ۵ جمهوری ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان است که به دلیل قدمت تاریخی و میراث‌دار بودن جاده ابریشم، منابع غنی انرژی و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بسیار مورد توجه قرار گرفت. ایران هم به دلیل تاریخ کهن و علائق سنتی که با منطقه دارد و هم به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، جایگاه ویژه‌ای در منطقه آسیای مرکزی داشته و در حقیقت حلقه پیوندی حوزه سنتی خاورمیانه به حوزه جدید آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. همجواری جغرافیایی، فرهنگ مشترک، ساختار اجتماعی، سیستم ارزشی و یادمان تاریخی، سبب تلاش برای شکل دادن به مجموعه امنیتی و اقتصادی منسجم در آسیای مرکزی گردید. در این راستا ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان در سال ۱۹۹۴ اتحادیه آسیای مرکزی را با هدف ایجاد یک ناحیه مشترک اقتصادی شکل دادند. تاجیکستان نیز در مارس ۱۹۹۸ به آن پیوست البته ترکمنستان دعوت به پیوستن به این سازمان را رد کرد. در سال ۱۹۹۸ اتحادیه آسیای مرکزی به اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی تغییر نام یافت و در سال ۲۰۰۱ نیز مجدداً به سازمان همکاری‌های آسیای مرکزی (CACO) تغییر نام داد (Bohre, 2004: 485-502). جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تئوری کارکردگرایی می‌تواند نقش به‌سزایی در آسیای مرکزی داشته باشد؛ از طرفی دیگر جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن

که پل میان دو انبار انرژی و برجسته دنیا یعنی خلیج فارس و دریای خزر و اوراسیا است، نقش برجسته‌ای در منطقه می‌تواند ایفا نماید.

قفقاز دومین گستره حوزه شمالی خاورمیانه می‌باشد که شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. گستره مذکور دارای برخی رقابت‌های محلی متمایز از گستره دیگر می‌باشد اما در مجموع با توجه به هژمونی روسیه تمامی آنها در یک حوزه معین تحت عنوان آسیای مرکزی و قفقاز مفهوم‌سازی می‌شوند اما در اینجا علاوه بر ایران ترکیه نیز نقش حلقه پیوندی آن را با خاورمیانه ایفا می‌نماید.

به‌طور کلی با توجه به همبستگی و شباهت‌های تاریخی، فرهنگی و همجواری جغرافیایی و فرصت‌های ارتباطی ایران و ترکیه با آسیای مرکزی و قفقاز عملاً امکان گسترش خاورمیانه به حوزه مذکور وجود دارد ضمن اینکه پیوندهای اقتصادی و همکاری در حوزه انرژی و انتقال آن نیز بین آنها رو به افزایش می‌باشد. اما وجود برخی از تمایلات هویتی متضاد در حوزه مذکور و سیاست‌های هژمونیک روسیه مانعی برای چنین گسترشی است و به همین جهت در حال حاضر صرفاً می‌توان از آن به‌عنوان یک حوزه حاشیه‌ای در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه یاد کرد. به این ترتیب در صورت اتخاذ دیپلماسی منطقه‌ای کارآمد توسط دو حلقه پیوندی یعنی ترکیه و ایران، ادغام بیشتر آن در شبکه خاورمیانه دور از انتظار نیست. به‌طور کلی و در قالب ترسیمی شبکه منطقه‌ای خاورمیانه را می‌توان به‌صورت شکل شماره ۳ ترسیم نمود:



شکل شماره ۳: شبکه خاورمیانه‌ای در سیاست نوین بین‌الملل

۲-۳- گونه‌شناسی شبکه منطقه‌ای خاورمیانه

شبکه منطقه‌ای خاورمیانه از نوع مدل فاقد معیار در قالب مدل جهان کوچک آن می‌باشد، چرا که از به هم بستگی خوشه‌های مختلف اما به هم مرتبط شکل گرفته است، خوشه‌هایی که خود در برخی ادبیات به عنوان مجموعه امنیتی مستقل در نظر گرفته خواهند شد. در این راستا براساس ویژگی‌های مدل فاقد معیار (freyberg-inan, 2006) چند موضوع اساسی امنیتی در مورد شبکه خاورمیانه قابل تأمل می‌باشند که عبارتند از:

۱- خوشه‌ها و یا حلقه‌های مذکور در قالب یک تور چرخه‌ای حتی به صورت غیرعمدی و صرفاً براساس تمایلات جغرافیایی به یکدیگر مرتبط خواهند بود که موضوع مذکور در زمره ویژگی‌های سیستم‌های پیچیده می‌باشد (mitchel, 2006). در اینجا جغرافیا کلید انتقال پیام‌ها و ارتباطات به نقطه هدف می‌باشد. همجواری جغرافیایی موقعیت استراتژیکی را برای چنین پیوندهایی فراهم نموده است. همجواری جغرافیایی ارتباط بین قومیت‌های پراکنده، انتقال بحران‌های قومیتی، ارتباط اقتصادی حتی به صورت غیرقابل کنترل، پیوندهای مرتبط با سیاست‌های انرژی واحدهای نزدیک به هم، خطوط ارتباطی اقتصادی بین خوشه‌ها و ... را ممکن می‌سازد؛

۲- ارتباطات مذکور حتی به صورت تناوبی نقش اساسی در ادغام و همگرایی خوشه‌ها خواهد داشت و دریچه‌ای برای الگوهای رفتاری نوین و تغییرات بالقوه خواهد شد؛

۳- در این میان برخی واحدها نقش پل ارتباطی بین خوشه‌ها را بازی خواهند کرد که در اینجا ایران و ترکیه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی از جمله پل‌های شبکه‌ای مهم در میان خوشه‌های مذکور خواهند بود؛

۴- در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه و بر اساس تئوری شبکه‌های فاقد معیار، خوشه‌های مذکور همچنان مهم باقی خواهند ماند و بازی‌های استراتژیک واحدهای موجود در شبکه، ویژگی چند سطحی خواهد داشت؛

۵- شبکه ژئوپلیتیکی منطقه‌ای خاورمیانه فاقد قدرت‌های جهانی بومی است. به همین دلیل از نوع عادی و استاندارد می‌باشد که در آن قطب‌بندی‌های محلی صورت گرفته است. در این

میان قطب‌بندی بین ایران، عراق، عربستان، سوریه و حتی ترکیه در خوشه خاورمیانه مشاهده می‌گردد. در خوشه آسیای مرکزی و قفقاز قدرت بزرگ روسیه وجود دارد اما فاقد قدرت در گستره جهانی است و سیاست‌های آن محدود به گستره خاصی است و معمولاً نقش درجه دوم را ایفا می‌نماید. در این میان ایران نیز توان بازیگری هژمونیک در شبکه منطقه‌ای خود را ندارد، بنابراین با قدرت مختلف در خوشه‌های متمایز شبکه مذکور روبروست؛

۶- به دلیل وجود و مداخله قدرت یا قدرت‌های مداخله‌گر در شبکه مذکور نوعی تهدیدات غیرمتقارن شکل گرفته است (در مورد تهدیدات غیرمتقارن رجوع شود به: Blank, 2004).

۷- شبکه خاورمیانه به دلیل افزایش مداخلات خارجی با نوعی عدم تعادل ژئوپلیتیکی روبروست (رجوع شود به: متقی، ۱۳۸۷).

۳-۳- ویژگی‌ها و متغیرهای ژئوپلیتیکی شبکه منطقه‌ای خاورمیانه

الف: متغیر ژئواکونومیکی

اولین ویژگی شبکه منطقه‌ای خاورمیانه به دلیل موقعیت برجسته آن در تأمین انرژی جهانی و اهمیت آن در چرخه مذکور می‌باشد. نگاهی به آمارهای مذکور برجستگی آن را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: ذخایر و منابع احتمالی و جدول شماره ۳: ذخایر اثبات شده، کشف نشده و

رشد ذخایر

کل تولید نفت جهان (به میلیارد بشکه)

کشور	ذخایر موجود	منابع احتمالی	کل تولید	تولید ۲۰۰۱
عربستان	۲۲۱	۱۳۶	۷۳	۸/۵
روسیه	۱۳۷	۱۱۵	۹۷	۷
عراق	۷۸	۵۱	۲۲	۲/۴
ایرن	۷۶	۶۷	۳۴	۳/۸
امارات	۵۹	۱۰	۱۶	۲/۵
کویت	۵۵	۴	۲۶	۱/۸
آمریکا	۳۲	۸۳	۱۷۱	۷/۷
ونزوئلا	۳۰	۲۴	۴۶	۳
لیبی	۲۵	۹	۱۴	۱/۴
چین	۲۵	۱۷	۲۴	۳/۳
مکزیک	۲۲	۲۳	۲۲	۳/۶
نیجریه	۲۰	۲۵	۴	۰/۸
قزاقستان	۲۰	۲۵	۴	۰/۸
نروژ	۱۶	۲۳	۹	۳/۴
الجزایر	۱۵	۱۰	۱۰	۱/۵
قطر	۱۵	۵	۵	۰/۸
انگلستان	۱۳	۷	۱۴	۲/۵
اندونزی	۱۰	۱۰	۱۵	۱/۴
برزیل	۹	۵۵	۲	۱/۴
مناطق بی طرف	۸	۰	۵	۰/۶
دیگر	۷۳	۲۲۰	۹۱	۱۶/۲
کل	۹۵۹	۹۳۹	۷۲۸	۷۵/۸

کشور	ذخایر اثبات شده	رشد ذخایر	کشف نشده
کشورهای صنعتی			
آمریکا	۲۲.۴۵	۷۶.۰۳	۸۳.۰۳
کانادا	۱۸۰.۲	۱۲.۴۸	۳۲.۵۹
مکزیک	۱۲.۲	۱۲.۴۸	۴۵.۷۷
ژاپن	۰.۰۶	۰.۰۹	۰.۳۱
استرالیا نیوزلند	۳.۵۲	۲.۶۵	۵.۹۳
اروپای غربی	۱۸.۱	۱۰.۳۲	۳۴.۵۸
اورآسیا			
شوروی سابق	۷۷.۸۳	۱۳۷.۷	۱۷۰.۷۹
اروپای شرقی	۱.۵۳	۴.۴۶	۱.۳۸
چین	۱۸.۲۵	۱۹.۹۵	۱۴.۶۲
کشورهای درحال توسعه			
آمریکای جنوبی و مرکزی	۹۸.۵۵	۹۰.۷۵	۱۲۵.۳۱
هند	۵.۳۷	۳.۸۱	۶.۷۸
دیگر کشورهای آسیایی	۱۱.۳۵	۱۴.۵۷	۲۳.۹
آفریقا	۷۷.۴۳	۷۳.۴۶	۱۲۴.۷۲
خاورمیانه	۶۸۵.۶۴	۲۵۲.۵۱	۲۶۹.۱۹
کل	۱۲۱۲.۸۸	۷۳۰.۰۵	۹۳۹.۹
اوپک	۸۱۹.۰۱	۳۹۵.۵۷	۴۰۰.۵۱
غیر اوپک	۳۹۳.۸۷	۳۳۴.۴۸	۵۳۸.۳۹

Source: Anthony H Cordesman Winter 2003MIDDLE EASTERN ENERGY AFTER THE IRAQ WAR: CURRENT AND PROJECTED Middle East Policy; 10, 4; p129.

Source: international energy agency (IEA).world energy Outlook, 2002, p97

Statistical review of world energy, 2006

جدول شماره ۴: ذخایر و تولید گاز جهان و خاورمیانه

کشور	ذخایر در سال ۲۰۰۰		درصد تولید جهان در سال ۲۰۰۰	درصد از ذخایر جهانی
	Tcm	Tcf		
بحرین	۳/۳	۰/۰۹	۰/۴	۰/۱
ایران	۸۱۲/۳	۲۳	۲/۶۵	۱۴/۶
عراق	۱۰۹/۸	۳/۱۱	۰/۳	۲
کویت	۵۲/۷	۱/۴۹	۰/۶	۱
عمان	۲۹/۳	۰/۸۲	۰/۴	۰/۵
قطر	۵۰۸/۵	۱۴/۴۰	۱/۲	۹/۲
عربستان	۲۲۴/۷	۶/۳۶	۲/۲	۴/۱
سوریه	۸/۵	۰/۲۴	۰/۲	۰/۲
امارات متحده عربی	۲۱۲/۱	۶/۰۱	۱/۸	۳/۹
یمن	۱۶/۹	۰/۴۸	-	۰/۳
دیگر کشورها	۱/۶	۰/۰۵	۰/۱	-
کل خاورمیانه	۱۹۷۹/۷	۵۶/۰۶	۹۳	۳۶
الجزایر	۱۵۹/۷	۴/۵۲	۳/۲	۲/۹
مصر	۵۸/۵	۱/۶۶	۰/۹	۱/۱
لیبی	۴۶/۴	۱/۳۱	۰/۲	۰/۸
روسیه	۱۶۸۰	۴۷/۵۷	۲۲	۳۰/۵
آمریکا	۱۸۳/۵	۵/۱۹	۲۱/۷	۳/۳
اتحادیه اروپا	۱۱۱	۳/۱۴	۸/۳	۲
کل جهان	۵۵۰۱/۵	۱۵۵/۷۸	۱۰۰	۱۰۰

Source: Anthony H.Cordesman(2003); middle east energy after the Iraq war: current and projected ,middle east policy,volx,no4,p141.

از سوی دیگر مصرف نفت و گاز طبیعی جهان بیانگر وابستگی سایر مناطق جهان به شبکه منطقه‌ای خاورمیانه و واحدهای موجود در آن می‌باشد و از این منظر نوعی پیوند استراتژیک کارکردی بین آنها برقرار است. این در حالی است که جدول شماره ۵ رشد نیاز به این ماده خام و همچنین گاز را در تمامی مناطق جهان نشان می‌دهد، رشدی که سرانجام سبب تقویت پیوند کارکردی مذکور خواهد بود.

جدول شماره ۵: مصرف نفت و گاز طبیعی جهان بین سالهای ۲۰۰۳-۲۰۳۰

گاز			نفت			منطقه - کشور
میانگین رشد سالانه	سال ۲۰۳۰	سال ۲۰۰۳	میانگین رشد سالانه	سال ۲۰۳۰	سال ۲۰۰۳	
۱.۱	۳۶.۶	۲۷.۴	۱.۲	۳۳.۴	۲۴.۳	آمریکای شمالی
۰.۷	۲۶.۹	۲۲.۳	۱.۲	۲۷.۶	۲۰.۱	آمریکا
۲	۳۰.۸	۱۷.۸	۰.۲	۱۶.۳	۱۵.۵	اروپای غربی
۱.۲	۶.۸	۵	۰.۵	۱۰.۱	۸.۸	آسیای صنعتی
۰.۸	۳.۸	۳.۱	۰.-۱	۵.۴	۵.۶	ژاپن
۲	۴۰.۵	۲۳.۶	۱.۴	۷.۱	۴.۹	شوروی سابق
۵.۱	۲۸.۸	۷.۵	۳	۲۹.۸	۱۳.۵	آسیای در حال توسعه
۶.۸	۷	۱.۲	۳.۸	۱۵	۵.۶	چین
۵.۹	۴.۵	۱	۲.۴	۴.۵	۲.۳	هند
۱.۷	۱.۳	۹.	۱.۷	۳.۵	۲.۲	کره جنوبی
۳.۹	۱۰.۸	۳.۸	۱.۸	۸.۵	۵.۳	آمریکای مرکزی و جنوبی
۳.۴	۱۹.۶	۷.۹	۱.۵	۷.۸	۵.۳	خاورمیانه
۴.۴	۸.۱	۲.۶	۲.۳	۴.۹	۲.۷	آفریقا
۲.۴	۱۸۲	۹۵	۱.۴	۱۱۸	۸۰.۱	کل

EIA, 2006; international energy outlook.

جدول شماره ۶: تقاضای هند و پاکستان برای گاز

کشور	سال ۲۰۰۰	سال ۲۰۰۵	سال ۲۰۱۰	سال ۲۰۱۵
پاکستان	۰.۵	۰.۶	۰.۸	۱.۰
هند	۰.۰	۱.۲	۳.۱	۴.۲
کل	۰.۵	۱.۸	۳.۹	۵.۲

Kumar, verma (2007); energy geopolitics and Iran- Pakistan India gas pipeline, energy policy, 35, pp3280-3301.

در این میان تقاضای اتحادیه اروپا برای گاز خاورمیانه و حاشیه خزر افزایش می‌یابد به همین سبب ژئوپلیتیک تقاضای گاز طبیعی اروپا تغییر خواهد کرد و علاوه بر روسیه، برخی کشورهای حوزه خزر و کشورهایی مانند عراق، مصر و ایران را نیز در بر می‌گیرد (bilgin, 2009).

گاز طبیعی احتمالاً مهمترین منبع انرژی در ۳۰ سال آینده خواهد بود. سهم گاز طبیعی در تقاضای انرژی اروپا از ۲۴ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۳۰ درصد در ۲۰۳۰ خواهد رسید و افزایش مصرف خانگی و صنعتی آن به صورتی است که تولید اروپا و توان تولیدی روسیه بدون صادرات مجدد از حوزه خزر و آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۵ پاسخگوی آن نخواهد بود علاوه بر آن مسائل روسیه با اکرین و قطع جریان گاز در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ نگرانی‌های امنیتی اروپا را دو چندان خواهد کرد. بررسی ذخایر آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از حوزه خزر از یک سو و ایران، مصر و عراق از سوی دیگر بیانگر این موضوع است که انتخاب آنها به عنوان شریک صدور گاز به اروپا می‌تواند به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی مطرح باشد (bilgin, 2009: 4491).

به این ترتیب در حوزه ژئواکونومیکی و منابع، شبکه خاورمیانه به دو دلیل وجود ذخایر نفت و گاز از یک سو و تقاضای سیستمی به منابع مذکور از ضریب حساسیت و آسیب‌پذیری بالایی در شبکه جهانی برخوردار می‌باشد. به عبارتی این ویژگی باعث شکل‌گیری پیوند کارکردی بین سیستم بین‌الملل و شبکه خاورمیانه خواهد شد. از ویژگی پیوندهای کارکردی بین شبکه‌ای، بالا رفتن ضریب حساسیت و آسیب‌پذیری متقابل خواهد بود. از اینجاست که ژئوپلیتیک منابع طبیعی و ارتباط آن با جنگ منابع و رقابت‌های مربوط به آن را تبدیل به موضوعی منطقه‌ای و یکی از مهمترین موارد موجود در دستور کار نظم منطقه‌ای می‌نماید. به طور کلی اهمیت منابع در جنگ به آسیب‌پذیری و حساسیت سیاسی و اقتصادی دولت‌های وابسته به این منابع مرتبط می‌باشد. ضریب حساسیت و آسیب‌پذیری مذکور نیز میزان تمایل قدرت‌های مرتبط را برای دخالت در امور منطقه مشخص خواهد کرد. این در حالی است که بایستی به برخی از ویژگی‌های توزیع منابع در داخل منطقه نیز توجه نمود و آن را در کنار چنین متغیر یا متغیرهایی از عناصر تحلیلی محسوب نمود. برای نمونه هیدرو پللیتیک خاورمیانه در زمره چنین متغیرهایی است (مختاری و قادری ۱۳۸۷: ۳۶-۷۴).

ب: ژئوپلیتیک جمعیت

دیگر ویژگی شبکه خاورمیانه در ساخت‌بندی جمعیتی آن ملاحظه می‌گردد. در این راستا

توزیع جغرافیایی قومیت‌ها و گروه‌های مذهبی (رجوع شود به Gause, 2007) در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه است جداول زیر تمایز گروه‌ها در شبکه خاورمیانه و مقایسه آن را با سایر مناطق نشان می‌دهد. در اینجا خاورمیانه در زمره مناطقی است که از بعد تمایز نسبت به سایر مناطق درصد بالایی را به‌خود اختصاص داده است ضمن اینکه از منظر تعارضات قومی نیز وضعیت نامطلوبی دارد (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: درصد تمایز مذهبی گروه‌های قومی بر اساس مناطق مختلف

منطقه	تعداد گروه‌ها	تعداد گروه‌های متمایز	درصد
آسیا	۵۷	۳۱	۵۴/۴
خاورمیانه شمال آفریقا	۲۶	۱۴	۵۳/۸
بلوک شوروی سابق	۵۹	۲۶	۴۴/۱
آمریکای لاتین	۳۰	۱۲	۴۰/۰
دموکراسی‌های غربی	۳۰	۸	۲۶/۷
آفریقا	۶۵	۱۴	۲۱/۵
تمام مناطق	۲۶۷	۱۰۵	۳۹/۳

جدول شماره ۸: درصد عوامل مذهبی در تعارضات قومی

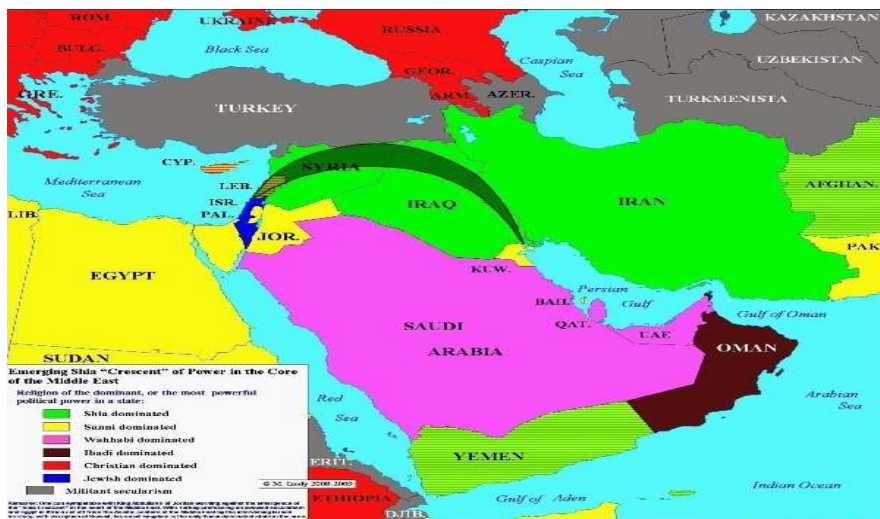
منطقه	تعداد گروه‌ها	درصد مذهب به عنوان یک موضوع	تمایز مذهبی	تقاضای حقوق مذهبی	مذهب به عنوان گفتمان سیاسی
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۷۱	۶۴	۵۰	۸۷
بلوک شوروی سابق	۳۱	۵۲	۲۷	۴	۴۶
آمریکای لاتین	۱۲	۸	۲۵	۲۵	۳۷
دموکراسی‌های غربی	۸	۱۲	۲۵	۲۵	۳۷
آفریقا	۱۴	۲۸	۷	۸	۲۱

جدول شماره ۹: گستره تعارضات قومی

منطقه	تعداد گروه‌ها	تمایز سیاسی	تمایز اقتصادی	تمایز فرهنگی	درخواست خودمختاری	تظاهرات	آشوب
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۸۶	۶۴	۵۷	۵۷	۲۳	۱۷
آسیا	۳۱	۴۳	۷۷	۶۴	۷۸	۱۷	۳۵
بلوک شوروی سابق	۲۶	۴۴	۳۸	۵۴	۶۳	۱۵	۱۲
آمریکای لاتین	۱۲	۶۷	۹۲	۷۵	۶۷	۸	۱۹
دموکراسی‌های غربی	۸	۳۷	۶۲	۵۰	۳۷	۲۵	۰
آفریقا	۱۴	۴۳	۷۱	۲۹	۵۷	۳۳	۲۳

Source: Fox (2001); are middle east conflicts more religious?middle east quarterly.

نقشه توزیع گروه‌های مذهبی و بویژه از ناحیه برخی از واحدهای منطقه‌ای یکی دیگر از متغیرهای ژئوپلیتیکی موجود در شبکه خاورمیانه‌ای است که بر امنیت منطقه‌ای و گفتمان‌های امنیتی موجود در شبکه تأثیرگذار می‌باشد. از این منظر برخی شکل‌گیری هلال شیعه را در سطح منطقه مطرح نموده‌اند. در همین راستاست که ملک عبدالله پادشاه اردن در دسامبر سال ۲۰۰۴، شکل‌گیری هلال شیعه را به‌عنوان خطری که خاورمیانه را تهدید می‌کند، مطرح ساخت (www.farhangnews.ir) وزیر امور خارجه اردن هم سخنان عبدالله دوم شاه این کشور را در خصوص تشکیل «هلال شیعی» از سوی ایران تا عراق و سوریه و لبنان تکرار کرد (www.farsnews.net).



نقشه شماره ۱: هلال شیعی در خاورمیانه و شبکه منطقه‌ای ایران

Source: www.gulf2000.columbia.edu/images/maps/Shia_Crescent_lg.jpg

جدول شماره ۱۰: جمعیت شیعیان و اهل تسنن در برخی از کشورهای مسلمان

کشور	درصد شیعیان	درصد اهل تسنن
ج.ا. ایران	٪۸۹	٪۱۰
عراق	٪۶۰-۶۵	٪۳۲-۳۷
لبنان	٪۳۸	٪۲۳
سوریه	٪۱۶	٪۷۴
امارات متحده عربی	٪۸۱	٪۱۵
عربستان سعودی	٪۱۰-۱۱	٪۸۹-۹۰
افغانستان	٪۱۵	٪۸۴
بحرین	٪۷۰	٪۳۰
آذربایجان	٪۶۷	٪۳۰
یمن	٪۳۰	٪۷۰
کویت	٪۲۵	٪۶۰
پاکستان	٪۲۰	٪۷۷
اردن	٪۲	٪۹۰
عمان	٪۱	٪۱۸-۲۵
مصر	٪۱	٪۹۰
ترکیه	٪۱	٪۸۳-۹۳

www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=4848&id=40296

از سوی دیگر طرح خاورمیانه جدید نیز که توسط رالف پیترز ارائه شده است بر اساس دستکاری در نقشه قومیتی منطقه ترسیم شده است. در این طرح بر پایه نقشه مذکور کشورهای جدیدی ایجاد خواهد شد و کشورهای موجود نیز مرزبندی‌های نوینی را تجربه خواهند کرد.

در نقشه ارائه شده توسط وی تغییرات زیادی را در نقشه کشورها می‌توان مشاهده کرد. برخی ایلات مانند ولایات فراه، بادغیس و هرات به کشور **ایران** ملحق می‌شوند و پشتونستان پاکستان به افغانستان الحاق می‌گردد و کشورهای جدیدی همچون بلوچستان و کردستان ایجاد می‌گردند (رجوع شود به: peters, 2006).



نقشه شماره ۲: خاورمیانه جدید

به این ترتیب ژئوپلیتیک جمعیت در شبکه خاورمیانه یکی از متغیرهای مهم در چرخه منطقه‌ای و جهانی قدرت محسوب می‌شود. وجود گروه‌های جمعیتی مختلف و متمایز در کنار یکدیگر، نحوه چینش و پراکندگی آنها در گستره شبکه مذکور، تلاقی این چینش با سایر متغیرهای ژئوپلیتیکی مانند نفت خاورمیانه و همچنین وجود رقبای استراتژیک جهانی و تلاقی آنها در این شبکه اهمیت خاصی به ژئوپلیتیک جمعیت شبکه مذکور خواهد داد. مهمترین تأثیرگذاری این متغیر در به‌کارگیری استراتژی غیرمستقیم توسط قدرت‌های برون شبکه‌ای و یا مداخله‌گر در فرآیندهای درونی چنین شبکه‌ای می‌باشد که نمونه آن را می‌توان در طرح خاورمیانه جدید آمریکا مشاهده کرد.

ج: ژئوپلیتیک نظامی، اقتصادی از منظر درونی

یکی دیگر از شاخص‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ویژگی توزیع قدرت نظامی و اقتصادی در بین واحدهای آن می‌باشد. در حوزه مذکور ضمن تقسیم شبکه به حوزه‌های مجزا نوعی لایه‌بندی نامتوازن قدرت نیز در آن مشاهده می‌گردد تقریباً در تمامی حوزه‌ها کشورهای بسیار قوی در کنار همسایگان ضعیف قرار گرفته‌اند. در حوزه شمال آفریقا کشورهایی مانند الجزایر، لیبی و مراکش در کنار تونس، چاد و موریتانی قرار گرفته‌اند. در حوزه اعراب - اسرائیل، اسرائیل به

عنوان تهدید محوری در کنار همسایگان خود مانند مصر، اردن، فلسطین، لبنان و سوریه قرار گرفته است که البته مصر، سوریه و اردن تا حدودی از قدرت دفاعی برخوردار می‌باشند و فلسطین و لبنان در معرض حملات مکرر اسرائیل می‌باشند. سرانجام در حوزه خلیج فارس قدرت‌های بزرگ ایران، عراق و عربستان در کنار کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌باشند و با حملات اخیر عربستان به شمال یمن این کشور نیز به شدت در معرض پیامدهای قدرت نامتقارن همسایه خود یعنی عربستان قرار گرفته و با مداخله آمریکا نقطه بحرانی دیگری در این منطقه شکل گرفته است. آمارهای جدول شماره ۱۱ نیز به روشنی بیان‌گر چنین واقعیتی می‌باشند.

جدول شماره ۱۱: بررسی تطبیقی نیروی نظامی کشورهای خاورمیانه در حوزه‌های چهارگانه

کشور	نیروی نظامی	ذخیره	تانک	توپخانه	هواپیمای جنگی	هلی کوپتر نظامی
شمال آفریقا						
الجزایر	۱۲۷۵۰۰	۱۱۰۰۰۰	۱۰۰۰	۱۱۰۰	۱۷۵	۹۳
لیبی	۷۶۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰	۸۰۰	۱۹۲۱	۴۰۰	۴۱
مراکش	۱۹۶۳۰۰	۱۷۵۰۰۰	۵۲۰	۴۵۲	۹۵	۲۴
تونس	۳۵۰۰۰	۲۷۰۰۰	۸۴	۱۱۷	۲۹	۱۵
چاد	۳۰۳۵۰	۲۵۰۰۰	۶۰	۵	۲	۲
موریتانی	۱۵۷۵۰	۱۵۰۰۰	۳۵	۷۵	۸	-
اعراب - اسرائیل						
مصر	۴۵۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۳۶۵۵	۱۶۴۷	۵۷۹	۱۲۱
اسرائیل	۱۶۷۶۰۰	۱۲۵۰۰۰	۳۹۵۰	۱۵۴۲	۴۳۸	۱۰۰
اردن	۱۰۰۵۰۰	۸۵۰۰۰	۱۰۱۸	۴۷۵	۱۰۱	۲۲
لبنان	۷۲۱۰۰	۷۰۰۰۰	۳۱۰	۱۷۲	-	-
فلسطین	۳۵۰۰۰	۳۵۰۰۰	-	-	-	-
سوریه	۳۱۹۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۴۵۰۰	۲۵۴۰	۵۴۸	۷۱
خلیج فارس						
ایران	۵۴۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰	۱۵۶۵	۳۲۸۴	۳۰۶	۶۹
عراق	۳۸۹۰۰۰	۳۵۰۰۰۰	۲۶۰۰	۲۳۰۰	۳۱۶	۶۲
بحرین	۱۱۲۰۰	۸۵۰۰	۱۴۰	۴۸	۳۴	۴۰
کویت	۱۵۵۰۰	۱۱۰۰۰	۲۹۳	۹۵	۸۱	۲۰
عمان	۴۱۷۰۰	۳۱۴۰۰	۱۱۷	۱۳۲	۴۰	۰
قطر	۱۲۴۰۰	۸۵۰۰	۳۰	۴۴	۱۸	۱۹
عربستان	۱۹۹۵۰۰	۱۵۰۰۰۰	۷۱۰	۳۹۰	۲۹۴	۳۳
امارات	۵۰۵۰۰	۴۴۰۰۰	۴۴۱	۳۴۳	۱۰۶	۵۹
یمن	۶۶۷۰۰	۶۰۰۰۰	۷۹۰	۶۹۵	۷۶	۸
پیرامون						
افغانستان	۷۰۰۰۰-۶۰	۷۰۰۰۰-۶۰	۵۰۰	۲۱۰	۵	۵
ترکیه	۵۱۴۸۵۰	۴۰۲۰۰۰	۴۲۰۵	۲۹۹۰	۴۸۳	-

Cordesman, Anthony (2004); the military balance in middle east, Washington, center for strategic and international studies, p12.

از سوی دیگر کشورهای حوزه خاورمیانه فاقد پیوند استراتژیک اقتصادی بین یکدیگر می‌باشند. حجم مبادلات اقتصادی بین تعدادی این کشورها گویای این واقعیت می‌باشد (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۲: روابط تجاری بین اعراب در اواسط دهه ۱۹۹۰ به میلیون دلار

کشور	تجارت بین اعراب	کل تجارت	درصد از کل
الجزایر	۲۰۲	۹۲۳۱	۲
بحرین	۴۶۰	۲۶۵۶	۱۷
جیبوتی	۵۴	۸۹	۶۱
مصر	۶۷۱	۵۵۶۲	۱۱
عراق	۰	۲	۰
اردن	۲۲۶	۱۴۲۴	۱۶
کویت	۷۵	۸۴۴۵	۱
لبنان	۴۳۵	۷۳۷	۵۹
لیبی	۴۰۴	۷۸۲۶	۵
مراکش	۳۷۶	۴۰۱۳	۹
موریتانی	۲	۴۶۴	۰
عمان	۲۰۵	۴۸۳۱	۴
قطر	۲۲۰	۲۹۱۳	۸
عربستان	۳۶۷۴	۴۵۶۳۰	۸
سومالی	۱۰۵	۱۳۰	۸۱
سودان	۱۱۸	۵۱۵	۲۳
سوریه	۷۶۲	۳۱۵۱	۲۴
تونس	۳۷۹	۴۶۵۷	۸
امارات متحده عربی	۱۷۰۹	۲۰۹۰۶	۸
یمن	۴۵	۱۰۴۸	۴
کل	۱۰۱۲۲	۱۲۴۲۸۵	۸

Source: OAPEC Monthly bulletin, august/September 1996

بدین ترتیب خوشه‌ای بودن شبکه خاورمیانه و توزیع نامتوازن قدرت در هریک از خوشه‌ها از یک سو و عدم توازن عمومی قدرت در آن و از سوی دیگر ضعف پیوندهای استراتژیک بین خوشه‌ها و بویژه پیوندهای استراتژیک اقتصادی بین آنها سبب شکل‌گیری فضای انتقالی و عدم

شکل‌گیری فضای ادغام در آن شده است. به این سبب فضای مذکور، شبکه خاورمیانه را به سمت بازدارندگی، موازنه‌قوا و قدرت‌محوری متمایل می‌سازد و از سویی نیز به دلیل ناکارآمدی در حوزه‌های مذکور شبکه را نسبت به مداخله خارجی آسیب‌پذیر می‌نماید.

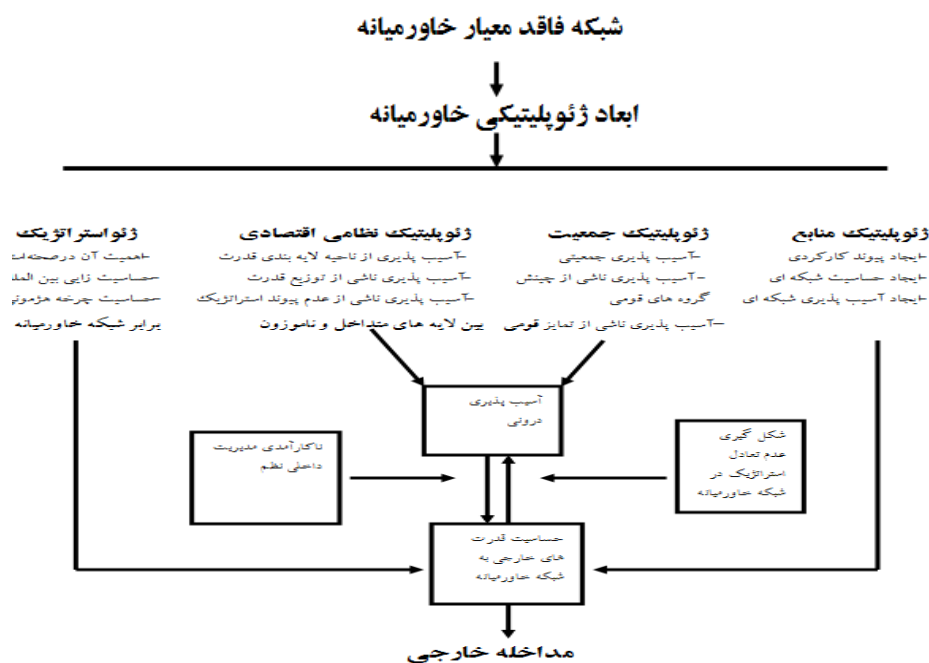
د: ویژگی ژئواستراتژیکی خاورمیانه؛ صحنه عملیات

استراتژی صحنه عملیات در برگرنده فعالیت‌های نظامی است که از همکاری‌های زمان صلح با دیگر کشورها تا مواجهه با تهدیدات بالقوه از طریق برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و برنامه‌ریزی جهت مقابله با بحران را در بر می‌گیرد. استراتژی صحنه عملیات، نیروهای صحنه و سطوح عملیاتی را سامان‌دهی نموده و روابط متقابل بین آنها را برای انجام یک اقدام منسجم و متحد تنظیم می‌نماید. استراتژی صحنه عملیات همچنین لجستیک کافی و دیگر حمایت‌های لازم جهت حمایت از فعالیت‌های مشترک، چندملیتی و... را فراهم خواهد کرد. تمامی موارد مذکور نوعی اقدام نظامی را در منطقه جغرافیایی خاص به‌منظور دستیابی به اهداف استراتژیک سبب خواهد شد. استراتژی مذکور تمامی فعالیت‌های نظامی و سیاسی را در بر می‌گیرد. این استراتژی بر اساس چرخه استراتژیک بین کشورها بویژه کشورهای بزرگ شکل می‌گیرد. در این راستا با توجه به رقابت استراتژیک بین آمریکا، چین و روسیه شبکه ژئوپلیتیک خاورمیانه تبدیل به صحنه عملیات شده است که در این میان آمریکا نقش مهمی را در این صحنه برعهده دارد. علاوه بر آن جنگ آمریکا در عراق، افغانستان، پاکستان، تعارضات با ایران، سوریه، حمایت از اسرائیل، درگیری در مناقشه اسرائیل - جنگ اول و دوم خلیج فارس، موضوع آبخازیا و گسترش ناتو به کشورهای حوزه شمالی ایران و یا حضور ناتو در افغانستان همگی بیانگر تبدیل شبکه ژئوپلیتیک خاورمیانه به صحنه عملیات استراتژیک ایالات متحده آمریکا و اهمیت آن می‌باشد.

۴- تجزیه و تحلیل

۴-۱- تعامل بین متغیرهای ژئوپلیتیکی و امنیت منطقه‌ای شبکه خاورمیانه

به این ترتیب خاور میانه از یک سو به عنوان شبکه ژئوپلیتیکی مطرح می‌شود که دارای ساخت مشخص از نوع فاقد معیار می‌باشد. از سوی دیگر وجود متغیرهای ژئوپلیتیکی موجود در آن سبب‌ساز حساسیت‌های سیستمی نسبت به آن می‌گردد. این حساسیت ناشی از توان تأثیرگذاری شبکه خاورمیانه‌ای در چرخه جهانی قدرت نظامی، چرخه جهانی اقتصاد و... می‌باشد. از سوی دیگر وجود برخی از متغیرهای ژئوپلیتیکی ضمن اثرگذاری بر محیط خارجی آن، آسیب‌پذیری‌های داخلی را نیز به دنبال دارد. از جمله برای نمونه ژئوپلیتیک جمعیتی آن در این راستا قابل ارزیابی می‌باشد. به این ترتیب در شبکه خاورمیانه متغیرهای ژئوپلیتیکی دو کارکرد مهم را نشان داده‌اند. نخست ایجاد جایگاه ژئوپلیتیکی مهم در صحنه سیستمی و دیگر آسیب‌پذیری درون شبکه‌ای است که ماحصل آن شکل‌گیری مداخلات خارجی در آن و بروز انواع الگوهای مداخلات شبکه‌ای است. تعامل بین متغیرهای ژئوپلیتیکی شبکه خاورمیانه را می‌توان به صورت شکل شماره ۴ ترسیم نمود:



شکل شماره ۴: تعامل بین متغیرهای ژئوپلیتیکی شبکه خاورمیانه و پیامدهای آن

از بعد آماری در طول تقریباً چهل سال در حدود ۴۲ تعارض مهم بین کشورهای منطقه (البته منطقه سنتی خاورمیانه) رخ داده است به عبارتی به ازای هر سال، منطقه یک تعارض مهم داخلی را تجربه کرده است (جدول شماره ۱۳). از سوی دیگر با مداخله متعدد خارجی به ویژه از ناحیه آمریکا روبرو بوده است. در قالب مداخله خارجی، ایالت متحده آمریکا از الگوهای متعددی نیز بهره گرفته است. از جمله الگوی براندازی، کودتا، مانور نظامی، پیمان‌های امنیتی، کمک مالی به گروه‌های مخالف دولت‌های مورد نظر در منطقه، بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی، حمله نظامی، اتحاد و ائتلاف از آن جمله می‌باشند. داده‌های جدول شماره ۱۴ گویای چنین واقعیت‌هایی می‌باشند.

جدول شماره ۱۳: توزیع تعارضات بین کشورهای خاورمیانه (یا بین یکی از کشورهای

خاورمیانه با کشور همجوار)

تعارضات بین کشورهای مختلف و سال وقوع	شماره	تعارضات بین کشورهای مختلف و سال وقوع	شماره	تعارضات بین کشورهای مختلف و سال وقوع	شماره
ایران-عراق ۱۹۸۰-۸۸	۲۹	یمن جنوبی - عمان ۱۹۷۳ و ۷۶	۱۵	مصر-یمن-عربستان ۱۹۶۲- ۱۹۶۷	۱
اسرائیل-عراق ۱۹۸۱	۳۰	ترکیه- قبرس ۱۹۷۴	۱۶	اردن-اسرائیل ۱۹۶۶	۲
ترکیه - سوریه ۱۹۹۸	۳۱	مراکش-الجزایر - موریتانی ۱۹۷۵-۸۰	۱۷	اعراب-اسرائیل ۱۹۶۷	۳
سوریه-لبنان ۲۰۰۵	۳۲	مراکش-پولیساریو ۱۹۷۵-۸۳	۱۸	ترکیه-یونان-قبرس ۱۹۶۷	۴
لیبی- تونس ۱۹۸۵	۳۳	سوریه-لبنان ۱۹۷۶	۱۹	اردن-اسرائیل ۱۹۶۸	۵
قطر-بحرین ۱۹۸۶	۳۴	سوریه-عراق ۱۹۷۶	۲۰	ایران-عراق ۱۹۶۹	۶
عراق-کویت- عربستان ۱۹۹۰-۹۱	۳۵	لیبی-سودان ۱۹۷۶	۲۱	مصر-اسرائیل ۱۹۶۹-۷۰	۷
عراق-کویت ۱۹۹۲	۳۶	لیبی-سودان-مصر ۱۹۸۳	۲۲	عربستان-یمن جنوبی ۱۹۶۹-۷۰-۷۳	۸
عربستان-قطر ۱۹۹۲	۳۷	اسرائیل-لبنان ۱۹۷۸	۲۳	سوریه-اردن ۱۹۷۰	۹
سودان-مصر ۱۹۹۵	۳۸	یمن شمالی-جنوبی ۱۹۷۸- ۷۹	۲۴	یمن شمالی-جنوبی ۱۹۷۲-۷۹	۱۰
عراق-کویت-عربستان ۱۹۹۴	۳۹	لیبی-مصر ۱۹۸۰	۲۵	عمان-یمن جنوبی	۱۱
مصر-سودان ۱۹۹۵	۴۰	لیبی-مالت ۱۹۸۰	۲۶	لیبی-چاد ۱۹۷۲-۸۷	۱۲
		سوریه-اردن ۱۹۸۰	۲۷	عراق-کویت ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶	۱۳
		لیبی-تونس ۱۹۸۰	۲۸	اعراب-اسرائیل ۱۹۷۳	۱۴

Solingen, etel(2007); pax asiatica versus bella levantia: foundation of war and peace in east asia and the middle east, the American political science review, vol 101, n04, pp757-780

جدول شماره ۱۴: مداخله آمریکا در شبکه خاورمیانه از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۰۱

۱- سال ۱۹۴۶: تهدید ترومن به بمباران شوروی در صورت عدم عقب‌نشینی از کردستان، آذربایجان و شمال ایران.
۲- سال ۱۹۴۷: آمریکا قطعنامه‌ای را به تصویب سازمان ملل می‌رساند که فلسطین به دو دولت صهیونیستی و عرب تقسیم می‌گردد و صهیونیست‌ها ۵۴ درصد از سرزمین مذکور را تحت کنترل قرار می‌دهند.
۳- در ۲۹ مارس ۱۹۴۹ سازمان سیا در سوریه کودتایی طراحی و زعیم را به قدرت رساند.
۴- در سال ۱۹۵۲ اتحاد نظامی با محوریت آمریکا با پذیرش ترکیه برای پیوستن به ناتو به خاورمیانه گسترش یافت.
۵- در سال ۱۹۵۳ سیا حکومت مصدق را در ایران طی یک کودتا ساقط کرد.
۶- در سال ۱۹۵۵ آمریکا سیستم رادار قدرتمندی را برای جاسوسی از شوروی در ترکیه مستقر ساخت.
۷- موضوع کانال سوئز و مداخله آمریکا.
۸- کودتای طراحی شده اکتبر ۱۹۵۶ برای سرنگونی حکومت چپ‌گرا در سوریه.
۹- دکترین آیزنهاور و تصویب آن توسط کنگره در ۹ مارس ۱۹۵۷.
۱۰- آوریل ۱۹۵۷ بعد از بروز آشوب‌ها علیه حکومت اردن، آمریکا آماده مداخله شد و میلیون‌ها دلار پرداخت‌های محرمانه به شاه حسین انجام داد.
۱۱- در سپتامبر ۱۹۵۷ و در پاسخ به سیاست‌های ناسیونالیستی و طرفدار شوروی، آمریکا شش ناوگان به شرق مدیترانه اعزام کرد و به اردن، لبنان، عراق، ترکیه و عربستان سعودی نیروی اعزام و ترکیه را به استقرار ۵۰۰۰۰۰ نیرو در مرزهای شمالی سوریه تشویق نمود.
۱۲- اتحاد مصر و سوریه در درون جمهوری عربی متحده، سقوط فیصل دوم در عراق، شورش‌های ضد دولتی، ضد آمریکایی در لبنان که منجر به اعزام نیرو توسط آمریکا به لبنان شد و آمریکا تهدید به استفاده از نیروی هسته‌ای نمود.
۱۳- در سال ۱۹۶۶ حمایت آمریکا از قبایل کرد برای سرنگونی حکومت عراق.
۱۴- در سال ۱۹۶۶ فروش اولین بمب‌افکن به اسرائیل و نادیده گرفتن تصمیم عدم فروش تسلیحات به دولت صهیونیست‌ها در سال ۱۹۵۶.
۱۵- در سال ۱۹۷۰ حمله اردن به فلسطین با حمایت اسرائیل و آمریکا.
۱۶- در سال ۱۹۷۳ او پرداخت ۲/۲ میلیون دلار کمک نظامی به اسرائیل، مصر و حمله سوریه برای دستیابی مجدد به بلندی‌های جولان و حرکت نیروهای آمریکا به سمت منطقه.
۱۷- در سالهای ۱۹۷۳-۷۵ حمایت آمریکا از شورشیان کرد عراق برای تقویت ایران.
۱۸- در سالهای ۱۹۷۹-۸۴ حمایت آمریکا از نیروهای نظامی برای ساقط کردن حکومت یمن جنوبی.
۱۹- در سال ۱۹۷۸ حمایت آمریکا از شاه ایران در برابر انقلابیون.
۲۰- ناکام ماندن تلاش آمریکا برای کودتا جهت حفظ شاه ایران.
۲۱- در سال ۱۹۷۹ کارتر اعلام نمود که خلیج فارس منطقه حیاتی برای آمریکاست و برای تأمین جریان نفت آماده جنگ می‌باشد.

۲۲- در تابستان سال ۱۹۷۹ آمریکا به تسلیح مجاهدین در افغانستان پرداخت تا از نفوذ شوروی بکاهد.
۲۳- در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تلاش ناکام برای رها ساختن کارکنان سفارت خود در ایران.
۲۴- در سال ۱۹۸۰ شروع به استقرار نیروهای واکنش سریع.
۲۴- تابستان ۱۹۸۰ حمله عراق به ایران با حمایت آمریکا.
۲۵- در سال ۱۹۸۱ برگزاری مانور نظامی در سواحل لیبی برای ترساندن قذافی.
۲۶- در سال ۱۹۸۲ حمله اسرائیل به لبنان با چراغ سبز آمریکا.
۲۷- در سال ۱۹۸۳ اعزام نیرو توسط آمریکا به لبنان در قالب نیروهای چندملیتی.
۲۸- کمک به قتل احمد دلبی فرمانده نظامی مراکشی که خواهان سرنگونی پادشاه مراکش به‌عنوان طرفدار آمریکا بود.
۲۹- در سال ۱۹۸۴ سرنگونی دو هواپیمای جنگی ایران در خلیج فارس توسط آمریکا.
۳۰- در سال ۱۹۸۵ تلاش آمریکا برای قتل علامه فضل ... که ۸۰ نفر در این تلاش نافرجام کشته شدند.
۳۱- در سال ۱۹۸۶ حمله بمب افکن‌های آمریکا به تأسیسات نظامی لیبی.
۳۲- در سال ۱۹۸۷ اعزام ناوگان آمریکایی به خلیج فارس برای حمایت از کشتی‌های نفتی عراق.
۳۳- در سال ۱۹۹۰ حمله عراق به کویت و مقابله آمریکا.
۳۴- در سال ۱۹۹۱ عملیات طوفان صحرا.
۳۵- اصرار آمریکا و بریتانیا بر ادامه مجازات‌ها.
۳۶- در سال ۱۹۹۳ برنامه صلح اعراب و اسرائیل.
۳۷- در سال ۱۹۹۳ حمله موشکی به عراق.
۳۸- در سال ۱۹۹۵ تحمیل مجازات‌های نفتی و تجاری علیه ایران.
۳۹- در سال ۱۹۹۸ کمک ۱۰۰ میلیون دلاری آمریکا به گروه‌های مخاف صدام.
۴۰- در سال ۱۹۹۸ عملیات روباه صحرا توسط آمریکا و انگلستان علیه عراق.
۴۱- اکتبر ۲۰۰۱ و شروع به بمباران افغانستان با نام جنگ علیه تروریسم جهانی.

منبع: www.informationclearinghouse.inf/article6308.htm

از سوی دیگر تعارضات داخلی و مداخلات خارجی گویای یکی دیگر از ویژگی‌های امنیتی شبکه خاورمیانه نیز می‌باشد و آن ناکارآمدی سیستم‌های مدیریت نظم منطقه‌ای است. در تعارضات مذکور آمریکا همواره به‌عنوان مداخله‌گر نقش اساسی را بر عهده داشته است. به دنبال چنین وضعیتی است که پایگاه‌سازی در درون شبکه و یا استحکام‌بخشی به پایگاه‌های قبلی مانند اسرائیل، تغییر مرزبندی‌های شبکه، براندازی و... به‌منظور موفقیت در مداخلات مطرح می‌شود. نتیجه آن شکل‌گیری محیط امنیتی است که در آن تهدیدات خارجی زیاد،

قابلیت منطقه‌ای کم، ظرفیت سیاسی منطقه‌ای نیز پایین می‌باشد. البته این وضعیت می‌تواند ویژگی خودتقویت کننده به خود گرفته و تعارضات و مداخلات فزاینده‌ای را نیز در پی داشته باشد. در این راستا به‌طور کلی پیامدهای زیر قابل مشاهده می‌باشند:

۱- تداوم خوشه‌ای بودن شبکه و به همین دلیل شکل دادن به یک رژیم امنیتی و یا همکاری جامع در شبکه مذکور بسیار مشکل خواهد بود؛

۲- فراوانی، گسترش و تشدید مداخلات خارجی به دلیل جایگاه شبکه از بُعد ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیک (نقش آن در صحنه عملیات) و حساسیت چرخه جهانی قدرت به آن فراوانی مداخله خارجی مشاهده می‌گردد؛

۳- عدم مدیریت ورودی‌های خارجی به دلیل خوشه‌ای بودن شبکه و عدم مدیریت بومی آن؛

۴- جغرافیای سیاسی شبکه و ساخت‌بندی جمعیتی آن مرزهای شبکه را آسیب‌پذیر نموده و به همین سبب تغییر مرزبندی درونی شبکه بویژه زمانی که با مداخله خارجی همراه می‌شود امکان شکل‌گیری تهدیدات شدید امنیتی در منطقه را به همراه خواهد داشت، موضوعی که بخشی از آن را در طرح خاورمیانه جدید می‌توان مشاهده کرد؛

۵- عدم وجود جامعه امنیتی جامع در شبکه ولی وجود الگوهای رفتاری مدیریتی متمایز در خوشه‌ها؛

۶- آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی منطقه از مداخله خارجی ولی به‌صورت متمایز؛

۷- فراوانی پایگاه‌سازی در منطقه از سوی قدرت خارجی و تبدیل شبکه به صحنه عملیات قدرت مداخله‌گر و هم‌پیمانان آن؛

۸- دوگانه بودن هدف از پایگاه‌سازی در شبکه خاورمیانه: هدف قراردادن برخی واحدهای منطقه در کنار واحدهای برون منطقه و تقویت صحنه عملیات استراتژیک.

۵- نتیجه‌گیری و سیاست‌های پیشنهادی

به‌طور کلی امنیت منطقه‌ای واحدها در سیستم نوین بین‌المللی یکی از مهمترین دلمشغولی‌های آنها محسوب می‌گردد. لذا مدل‌سازی نظری آن در حوزه علمی از جمله وظایف دانشگاهی به‌شمار می‌آید. در این راستا مدل‌سازی امنیت منطقه‌ای در قالب شبکه ژئوپلیتیکی اولین گام اساسی

محسوب می‌شود. در مدل‌سازی مذکور از دو دیدگاه بهره گرفته شده است؛ نخست دیدگاه شبکه و کاربرد آن در مطالعات امنیت منطقه‌ای است این دیدگاه ضمن یاری‌بخشی در تعریف چارچوب فیزیکی مدل و گستره منطقه سبب‌ساز این تحول نیز خواهد شد که منطقه ژئوپلیتیکی صرفاً در قالب سستی یعنی بر اساس برداشت قدرت‌های بزرگ تعریف نخواهد شد بلکه این متغیر در کنار دیدگاه‌های درونی و از منظر واحدهای موجود در یک گستره خاص ارتباطی قرار می‌گیرد و بنابراین مرزبندی‌های مناطق ژئوپلیتیکی از حالت سستی و کلاسیک خارج می‌شود. از سوی دیگر با طرح انواع مختلف شبکه‌ها می‌توان از بعد امنیتی، فرآیندهای متمایز در مناطق مختلف را تشخیص داد، فرآیندهایی که می‌توانند پیامدهای گوناگونی را در پی داشته باشند.

ژئوپلیتیک دومین دیدگاه مورد استفاده در مدل‌سازی مذکور می‌باشد. دیدگاه مذکور به تشخیص متغیرهای امنیتی موجود در درون شبکه و ارتباط بین آنها کمک خواهد کرد. متغیرهایی مانند ویژگی شبکه از بعد ژئوپلیتیک منابع، ژئوپلیتیک جمعیت، نظامی و صحنه عملیات، مرزها و... از آن جمله می‌باشد. با تجزیه و تحلیل شبکه از منظرهای مذکور، آسیب‌پذیری آن تشخیص داده خواهد شد و از آن طریق تشخیص وضعیت‌های امنیتی آن امکان‌پذیر می‌گردد.

با کاربرد مدل مذکور در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه که از شبکه‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌گردد، از بعد امنیتی در وضعیتی قرار می‌گیرد که در آن تهدیدات خارجی زیاد (مداخله خارجی)، قابلیت منطقه‌ای کم، ظرفیت سیاسی، مدیریتی منطقه‌ای نیز کم خواهد بود. در نهایت به نظر می‌رسد ناکارآمدی‌های داخلی در کنار ویژگی‌های برجسته ژئوپلیتیکی شبکه منطقه‌ای خاورمیانه، مداخله خارجی را به‌عنوان مهمترین معمای امنیتی در این شبکه مطرح ساخته است. در این راستا و به‌منظور بهبود بخشیدن به وضعیت امنیت منطقه‌ای شبکه خاورمیانه سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه شبکه خاورمیانه از نوع فاقد معیار می‌باشد و در این شبکه‌ها خوشه‌های متمایز موجودیت خود را حفظ می‌نمایند. بنابراین اولین سیاست معطوف به این حوزه موضوعی می‌باشد. در این قالب برقراری پیوند و تقویت آن بین خوشه‌های چندگانه خاورمیانه اولین ضرورت اساسی است. در اینجا نقش حلقه‌های پیوندی مانند ترکیه، ایران، سوریه و... بسیار مهم می‌باشد. اولین نقطه شروع نیز گسترش شبکه‌های ارتباطی، حمل و نقل و انرژی بین طرفین یا از طریق آنها به سایر مناطق

می‌باشد، تا بتوان پیامدهای منفی خوشه‌ای بودن شبکه را خنثی نمود؛

۲- به دلیل حساسیت شبکه در چرخه جهانی قدرت و مداخله قدرت خارجی در آن، نوعی عدم تعادل استراتژیک در این شبکه شکل گرفته است. بنابراین ایجاد تعادل استراتژیک دومین سمت‌گیری سیاست‌گذاری در این شبکه را تشکیل می‌دهد در این راستا به نظر می‌رسد ضمن توجه به سیاست اول بایستی اعتمادسازی و ائتلاف‌سازی در دستور کار دیپلماسی منطقه‌ای قرار گیرد. در این راستا تمرکز بر ایجاد رژیم‌های بین‌المللی منطقه‌ای از نوع غیر سیاسی و چارچوب‌ساز بدون ورود به مرحله عملیاتی می‌تواند مفید باشد، علاوه بر اعتمادسازی این نوع رژیم‌ها می‌توانند در غیاب یک سیستم مدیریتی قوی بومی به مدیریت ورودی‌های خارجی کمک نمایند؛

۳- امنیت سستی در قالب بهره‌گیری از ابزارهای استراتژیک بایستی با امنیت همیارانه جایگزین شود در این حالت مشارکت واحدها در قالب همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و هنجاری مورد توجه قرار می‌گیرد، این نوع همکاری می‌تواند به‌عنوان بخشی از تلاش‌های نرم‌افزاری برای ایجاد تعادل استراتژیک مورد توجه باشد؛

۴- تقویت فرایند دولت‌سازی و ملت‌سازی در کشورهای موجود در شبکه و تقریب بین مذاهب و تأکید بر نقاط پیوندی بین آنها؛

۵- تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه امنیتی بین کشورهای شبکه بویژه بین کشورهای همجوار به‌منظور کاهش نقش منفی پایگاه‌سازی مداخله‌گر و یا محدود ساختن قدرت مانور آن؛

۶- بهره‌گیری حلقه‌های پیوندی از نیاز سایر شبکه‌ها و یا پیوندهای کارکردی سایر مناطق با شبکه خاورمیانه به‌منظور تقویت پیوند بین خوشه‌ای شبکه و انسجام‌بخشی به آنها.

منابع

۱. بوزان، بری و ویور، اولی (۱۳۸۸)؛ مناطق و قدرت‌ها، ساختار امنیت بین‌الملل؛ تهران. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. پوستین‌چی، زهره (۱۳۸۷)؛ گذار از کمر بند شکننده: بازسازی امنیت همیارانه در خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول.
۳. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)؛ ساخت ژئوپلیتیکی سیستم نوین بین‌الملل و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره دوم.
۴. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۷)؛ نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل فرآیندهای آن از دیدگاه تئوری‌های سیکلی، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال چهارم شماره اول.
۵. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)؛ ژئوپلیتیک تعادل و موازنه نرم، مطالعه موردی: خاورمیانه در بین سالهای ۲۰۰۹-۲۰۰۱؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول.
۶. مختاری، حسین و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۸۷)؛ هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق ۲۰۲۵م؛ مطالعه موردی: حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۱.
7. Atawneh, Ahmad M (2009); course of war in the Middle East: Analysis of media reporting *Journal of Pragmatics* 41.
8. Bilgin, Mert (2009); Geopolitics of European natural gas demand: Supplies from Russia, Caspian and the Middle East *Energy Policy* 37 4482-4492.
9. Blank, Stephan (2004); rethinking the concept of asymmetric threats in us strategy, comparative strategy, 23.
10. Bohre, Annette (2004); regionalism in central Asia: new geopolitics, old regional order, *International Affairs*, 80,3.
11. Bush, George w (2002); president delivers graduation speech at west point: Washington DC the white house.
12. Cordesman, Anthony (2004); the military balance in middle east, Washington, center for strategic and international studies.
13. Cordesman, Anthony H (Winter 2003) MIDDLE EASTERN ENERGY AFTER THE IRAQ WAR: CURRENT AND PROJECTED Middle East Policy; 10.
14. Cordesman, Anthony (2003); Syrian Forces and Capabilities, Center for Strategic and International Studies.
15. Dicken, peter and ets (2001); chains and networks, territories and scales: toward a relational framework for analyzing the global economy, *global network*, 1,2.
16. doak, Jeo and Nikos karadimitriou (2007); network: a framework for research, urban studies, vol44, No.2.
17. EIA (2006); international energy outlook.

18. fawcett, louise and Andrew Harrell(1995); regionalism in world politics, oxford, oxford university press.
19. Fox, Jonathon (2001); are middle east conflicts more religious? Middle East quarterly.
20. Frey berg –inane: just (2006); how small is this world? An application of small world theory to study of global networks,6,3.
21. Gause, f Gregory(2007); threats and threat perceptions in the Persian gulf region, journal compilation.
22. Harvey, d(2001); spaces of capital: towards a critical geography, newyork, Rutledge.
23. International Energy Agency (IEA) (2002); world energy Outlook.
24. Kelly, phil(2006); a critique of critical geopolitical geopolitics.11.
25. Kumar, verma (2007); energy geopolitics and Iran- Pakistan India gas pipeline, energy policy, 35.
26. Mercill, julien(2008); the radical geopolitics of us foreign policy, geopolitical and geo-economics logics of power, political geography,27.
27. mitchel, Melanie(2006); complex system: network thinking, artificial intelligence,170.
28. OAPEC Monthly bulletin (1996); august/September.
29. peters, Ralph(2006); blood borders, how a better middle east would look, armed forces journal.
30. Solingen, etel(2007); pax asiatica versus bella levantia: foundation of war and peace in east asia and the middle east, the American political science review, vol 101, No.4.
31. Wasserman, Stanley and Katherine faust (1994); social network Analysis: Methods and Applications, Cambridge Cambridge university press.
32. www.farhangnews.ir/site/DeskTopModules/NewsAgency/showNews.aspx?Id=13416.
33. www.farsnews.com/newstext.php?nn=8310020361.
34. www.gulf2000.columbia.edu/images/maps/Shia_Crescent_1g.jpg.
35. www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?MagazineNumberID=4848&id=40296.
36. www.informationclearinghouse.inf/article6308.htm.